



انسان ها
در خواب اند، وقتی
می میرند بیدار می شوند
برگی از خاطرات پروفسور «انه ماری شیمل»
شرق شناس و اسلام شناس معاصر

زندگی از دریچه نگاه یک نوجوان



مادر بودن کار دشواری است.
این روزها که زندگی اجتماعی با
رسانه های مجازی گره خورده، در
مقایسه با گذشته، به مراتب دشوارتر
هم شده است...

شهربانو



مرگ مادر تنها فقدان یک آغوش نیست

ترمه تازه وارد دوسالگی شده بود که جواب سرطان مادرش مثبت شد، آن قدر دیر که جز جراحی انتخابی نداشتند اما راه حل مؤثر هم نبود. هنوز در گیر و دار شیمی درمانی بودند و چند ماه نگذشته بود که بیماری ام اس هم به آن اضافه شد و با آن جسم افتاده روی تخت...

زنان دانشمند های وهوی کمتری دارند

گفت و گو با دکتر زرين اسحاقی
که به تازگی در فهرست شیمی دانان برجسته جهان قرار گرفته است

۲

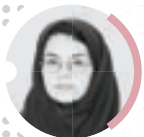


عکس: محمد به غفوریان / شهرآر

(آفاق)

هدی جاودانی

مترجم



زنان پاورقی ها

تخصیبات موجود در پژوهش های گذشته، امیدوارند بتوانند در پژوهش های علمی امروزی نیز توجه را به نام کسانی جلب کنند که در پژوهش ها مشارکت دارند و گاه دیده نمی شوند.

مارشا ریچموند، تاریخ پژوه، که درباره مشارکت زنان در علم زیست شناسی مطالعه می کند، می گوید دست کم گرفتن مشارکت زنان در پژوهش های علمی پدیده جدیدی نیست و سابقه ای طولانی دارد و به احتمال ریشه آن به علم نجوم بازمی گردد. برای نمونه، رایانه های رصدخانه هاروارد که اوایل قرن بیستم، موقعیت و خصوصیات ستارگان را محاسبه می کردند و به اکتشاف های مهمی در حوزه نجوم دست پیدا کرده بودند، در واقع بازتابی از نقش زنان ناسا در سال های بعد بودند.

ریچموند هم چنین مطرح می کند که زنان در طول تاریخ، علاقه مند به ورود به حوزه های علمی نوظهوری مانند بوم شناسی و علم پر تنه ها بودند و استخدام آن ها ارزان تر از هم تانایان مردشان بود، اما با پیشرفت این حیطه های علمی، زنان ناگهان به حاشیه رانده می شدند و مردان جایگاه آنان را به دست می آوردند.

پژوهش های ریچموند و سانچز و همکارانشان برای این نکته تأکید دارند که با پرده برداری از حضور زنان در پژوهش های ژنتیک جمعیت، می توان دانشمندان آینده را از تأثیر منفی کلیشه های جنسیتی در علم آگاه کرد. چنین پژوهش هایی می تواند راه را برای موفقیت زنان در حیطه هایی که هم چنان مردان اکثریت آن را تشکیل می دهند هموار کند. رالف می گوید: «هرچه بیش تر زنان را مشغول کارهای علمی ببینیم، بیشتر برایمان عادی می شود. ما امیدواریم این مسئله در نهایت به تحویلی بزرگ منجر شود.»

منبع: Smithsonian

روزی امیلیا سانچز، پژوهشگر دانشگاه کلمبیا، در پاورقی یک پژوهش ژنتیک قدیمی به مسئله عجیبی برخورد. در بخش قدرانی این پژوهش، نویسنده که یک متخصص ژنتیک مشهور بود، از زنی به نام جنیفر اسمیت به دلیل برنامه نویسی و انجام همه محاسبات پژوهش تشکر کرده بود.

سانچز پژوهش را به همکارش، رالف، نشان می دهد و متوجه می شود سطح محاسباتی که جنیفر اسمیت در این پژوهش انجام داده، در بازه کنونی، می توانسته است او را به مؤلف پژوهش تبدیل کند. امیلیا و رالف متوجه شدند که در دیگر پژوهش های حوزه ژنتیک جمعیت نیز مشارکت زنان در فرایند پژوهش تنها در پاورقی ها ذکر شده است.

سال ها بعد، با تماشای فیلم «اشخاص پنهان» که در آن ۳ ریاضی دان زن در پشت صحنه یکی از مأموریت های ناسا به تصویر درآمده بودند، ماجرا دوباره برای سانچز و رالف اهمیت پیدا می کند و این بار به این فکر می افتند که فرضیه خود را بیازمایند؛ اینکه نام چه تعداد از برنامه نویسان، در حیطه های مختلف علمی، تنها به پاورقی ها ختم شده است و چه تعداد از آن ها زنان هستند.

سانچز و رالف با کمک گروهی از پژوهشگران دانشجو، آرشیبیست ساله مقالات یک ژورنال تخصصی در حوزه ژنتیک را بررسی کردند و نام های مؤلفان پژوهش و افرادی را که در پاورقی ها آمده بودند دسته بندی کردند. بعد از بررسی بیش از ۸۰۰ مقاله که حدود هزار مؤلف داشتند (۹۳ درصد از این مؤلفان مرد بودند)، فرضیه اولیه سانچز اثبات شد: نام زنانی که در این پژوهش های معتبر مشارکت مؤثری داشتند، به جای آنکه به عنوان یکی از مؤلفان پژوهش مطرح شود، بیشتر در بخش قدرانی ذکر شده بود.

گروه پژوهشی سانچز و رالف با شناسایی

بهبود جایگاه زنان ایرانی در پژوهش



(یادداشت)
دکتر محمد جراحی
دبیر انجمن علوم سیاسی منطقه خراسان

بدون تردید، پژوهش به عنوان بخشی از آموزش عالی در پرورش و تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد و هم چنین مرکزی برای تولید علم و کسب مهارت های فنی، پزشکی، آموزشی و غیره از اهمیت جایگاه والایی به منظور کمک به توسعه همه جانبه کشور برخوردار است. در پی انقلاب اسلامی، رشد کمی چشمگیری در سیستم آموزشی خاص های دیگر از جهش درخور ملاحظه ای برخوردار بود. زنان با ایجاد فرصت های آموزشی و پژوهشی، زمینه را برای به ظهور رساندن توانایی و شایستگی های خود فراهم دیدند. در حالی که درباره آثار مثبت حضور زنان در فعالیت های آموزشی سخن های بسیاری گفته شده است، باید به طرح این پرسش پرداخت که حضور زنان در عرصه پژوهش چه آثار مثبتی می تواند داشته باشد؟

قانون گذاران این است که «مسائل اصلی زنان چیست؟». برای پاسخ گفتن به این پرسش، نمی توان به داده های خام حاضر در جامعه یا اطلاعات نظرسنجی ها اکتفا کرد بلکه باید در فرایند پژوهش محور، به ارزیابی مسائل، دسته بندی آن ها، نحوه پاسخ گویی به پرسش ها و چگونگی تبدیل آن ها به راهکارهای اجرایی پرداخت.

دیگر آنکه زنانی که وارد عرصه پژوهش های کاربردی می شوند در ارتباط بیشتری با جامعه قرار می گیرند زیرا جمع آوری داده به ارتقای مهارت های ارتباطی ای نیاز دارد که زمینه ساز پیوند زنان با محیط های اجتماعی و بازارهای کار می شود. در نتیجه، به طور مستقیم می تواند گام مثبتی در افزایش اشتغال زنان به شمار رود. حضور در محیط های آکادمیک و پژوهش، امری مبتنی بر جنسیت نیست. از آنجا که انجام پژوهش های کاربردی و بنیادی برای دست یافتن به توسعه امری ضرور است، حضور زنان به عنوان بخش مؤثر اجتماعی که نقش بسزایی در پیشرفت آموزشی و فکری نسل آینده دارد، می تواند به ارتقای جایگاه آن ها منجر شود و آن ها را برای پذیرفتن مسئولیت های سنگین در عرصه اجتماع آماده کند.

اول از همه، پژوهش بیش از آموزش و هرگونه شیوه مطالعه دیگری با رویکردهای مسئله محور هم خوان است. یعنی در حالی که در حوزه آموزشی، زنان به دنبال یادگیری و افزایش اطلاعات و آگاهی هستند، در حوزه پژوهش بیشتر کشف مسئله و طرح پرسش های اساسی اولویت دارد. به عبارت بهتر، در عرصه پژوهش، زنان بهتر می توانند مطالبه ها و نیازهای واقعی جامعه زنان را از متن جامعه استخراج کنند و با طرح سؤال مناسب، به پژوهش درباره آن بپردازند. نکته مهم آن است که در همه جای جهان، درصد بالایی از پژوهشگران در رشته های مختلف را مردان به خود اختصاص داده اند. این مسئله، خود، می تواند یکی از دلایل مغفول ماندن و کم اهمیت پنداشته شدن نیازهای مربوط به حوزه زنان باشد. زنان در عرصه پژوهش، با تجربه های بی واسطه ای که از پدیده هایی همچون زنانگی و مادرانگی دارند، می توانند در این عرصه به نیازسنجی بهتر و نزدیک به واقعیت بپردازند و با پیشبرد طرح موضوع خود، به انجام پژوهش های بنیادی یا کاربردی همت گمارند. افزون بر این، شاید بتوان گفت یکی از پرسش های مهم سیاست گذاران و

(پرتو)

فاطمه خلخالی استاد

روانما نگار



به تو اعتماد دارم اما بلا تکلیفم

آخرین باری که ملیحه را دیدم یادم نمی آید. شاید ۱۰ سالی گذشته باشد. می توان گفت فراموشش کرده بودم تا اینکه ۲۰ روز پیش، وقتی صبح بیدار شدم، دیدم عضو گروهی شده ام به اسم «خرید گویی برای زهرا». اول از همه نگاه کردم ببینم چه کسی من را عضو کرده. دیدم کار ملیحه بوده. لغت ندادم. بعد دیدم او خیلی از دوستان و همکاران مشترکمان را آورده توی گروه. از یک جایی، دیگر پیام ها را چک نکردم چون فکر می کردم مشکل حل شده است. ۴ روز پیش دیدم او دوباره متن بلندبالایی نوشته و آخرش گفته: «باید اعتراف کنم که ورود به بعضی کارها دست خود آدمه اما خروجش با خداست.» با اینکه این جمله ملیحه داد می زد که پایش بد جور توی ماجرا گیر کرده و حالا تک و تنها نه راه پیش دارد نه راه پس، نرفتم یک جمله پیام بگذارم و بپرسم: «حالا چی می خواهی؟» یا «چه کار باید بکنیم؟» بعد از این چند روز، فقط یکی مان این را از ملیحه پرسیده و او هنوز جوابی نداد. نمی دانم دارد چه کار می کند و چه گلی به سرش گرفته، اما می دانم موقعیت پیچیده ای دارد. پیش تر فکر کرده بودم که باید بنشینم و اساسی فکر کنم و به یک توافق نهایی با وجدانم برسم که آیا می خواهم به این بچه های سر چهارراه ها کمک کنم یا نه. به آن مردی که یکهو وسط خیابان جلوم را می گیرد و دل و روده یک پرونده پزشکی را پیش رویم می ریزد چطور؟ به آن پیرمرد تپلی که لیف و کبسه می فروشد چه؟ به آن پیرزنی که هر بار سر مزار عزیزان می رویم پیش می آید تا فاتحه ای بخواند چطور؟ رسیدن به نتیجه قطعی



زندگی از دریچه نگاه یک نوجوان

مادر بودن کار دشواری است. این روزها که زندگی اجتماعی با رسانه‌های مجازی گره خورده، در مقایسه با گذشته، به مراتب دشوار تر هم شده است. مادران امروز از مادران نسل پیشین آگاه ترند و برای ایفای نقش مادری به شکلی مسئولیت پذیر تر تلاش می کنند. با این حال، امروزه مادری کردن به تمرین و کسب اطلاعات بیشتری نیاز دارد. زمانی که کودک وارد دوره نوجوانی می شود، هویت او از یک فرد وابسته به فرد جوینده برای استقلال تغییر می کند. نوجوان در جست و جوی کشف معناهای جدید برای زندگی خود است و با پشت سر گذاشتن وابستگی شدیدی دوره کودکی، سعی دارد بزرگ شدن و متفاوت از کودک بودن را به خودش، والدین و اطرافیانش بفهماند و نشان دهد زیار در جست و جوی خودشناسی به شیوه و روش خودش است.



دکتر مهتاب علی نژاد
جامعه شناس

۲ دنیای متفاوت اما موازی
دنیای نابالغ یا به اصطلاح خام نوجوان که هنوز آن چنان که باید از دانش و اطلاعات و تجربه سرشار نشده است، با دنیای مادر بالغ و باتجربه که سرد و گرم روزگار را چشیده است در تضاد و تقابل قرار می گیرد. این تضاد بین درک نوجوان از خودش و درک مادران از اوست که در بیشتر موارد، تنش در رابطه مادر و فرزندی را به وجود می آورد. آنچه مادر می بیند این است: کودکی که در حال بزرگ شدن است اما هنوز چندان بی تجربه است و نابلد که مادر باید پیوسته در کنارش باشد و او را از خطرهای احتمالی حفظ کند، او را مدیریت کند و درباره

احساس کرد به مادرش نیاز دارد از مادر کمک بخواهد و او را به عنوان همراهی با محبت و عاطفه مادری داشته باشد. اما آیا مادران می توانند بین نیازی که فرزند در کودکی به همراهی آنان داشته است و نیازی که امروز به عنوان نوجوان دارد تعادل برقرار کنند؟

تنش ها را به حداقل برسانید

شما به عنوان یک مادر، چگونه نوجوان خود را درک می کنید که هم وظایف مادرانه خود را به بهترین صورت ممکن انجام داده باشید و هم ارتباطی را که او با شما دارد دچار تنش نکنید؟ این شما هستید که به عنوان فرد بالغ و باتجربه در ارتباط، باید تنش ها را به حداقل برسانید و مهارت ارتباط گیری را بدانید زیرا هم چنان این شما هستید که می توانید بهترین پناه عاطفی در ایام دشوار بلوغ فرزندان باشید و مهارت رفتار عقلانی را از طریق تعاملی که با او دارید به او یاد دهید. از نوجوان خود انتظار نداشته باشید شما را درک کند یا همه نصیحت هایبی را که برای او دارید بپذیرد. او به رفتار شما نگاه می کند و می آموزد. از نصیحت کردن دست بردارید و تصور بودن را تمرین کنید. محبت کردن خود را به اطاعت پذیری او مشروط نکنید. با صبوری و کنترل خشمم است که می توانید رفتاری با تدبیر و عاقلانه در برابر خواسته های نامعقول او داشته باشید. البته این را هم در نظر آورید که بیشتر خواسته هایی که شما نامعقول یا شورش می قلمداد می کنید، از دید نوجوانان، یک رفتار برای اثبات خود به عنوان یک شخصیت دارای هویت مستقل است. او تصمیم ندارد ارتباط بین فردی تان را تخریب کند. اگر با او دچار تنش شدید، به این نکته مهم بیندیشید که او بی تجربه است و بسیار به حمایت عاطفی و البته خردمندانه شما نیاز دارد.

مادر همیشه نگران نباشید

یکی از مشکلاتی که بسیاری از نوجوانان در تعامل با مادرشان گزارش می کنند این است که مادران

همیشه نگران آن ها هستند و این نگرانی را در قالب نصیحت یا کنترل شدید رفت و آمدها یا هردوی این ها بروز می دهند. سعی کنید نگرانی خود را مدیریت کنید. از یک مشاوره برای خود کمک بگیرید و مهارت رفع اضطراب و کنترل خشم را بیاموزید. اولین گام در برقراری ارتباط با نوجوانان این است که خود را بهتر بشناسید و مهارت های ارتباطی را فرابگیرید تا بتوانید تشخیص دهید در ارتباط، در چه مواردی باید فقط یک حامی عاطفی باشید و در چه مواردی رفتار قاطعانه و حمایت عقلانی کارگشاست. اگر نوجوان شما دختر باشد، ممکن است در مواردی این ارتباط گیری با چالش های بیشتری روبه رو شود. به این دلیل که با تغییرات اجتماعی ایجادشده در طول دهه اخیر، پرورش دختران فاصله بیشتری از کلیشه های جنسیتی پرورشی در گذشته گرفته است. به خودتان یادآور شوید که بر اساس زندگی امروز، نقش شما در دوره نوجوانی برای فرزندان حامی عاطفی بودن و تسهیلگری ارتباط است. با احترام به حریم شخصی او، به نظارت مادرانه تان بپردازید و به یاد داشته باشید انتظاراتی که از مادران در هر دوره ای از زندگی ایجاد می شود، با توجه به سایر تغییرات اجتماعی، تغییر کرده است. تعریف عبارت ها نیز قابل تغییر است. برای نمونه، انتظار نظارت مادرانه امروزه دیگر به این معنی نیست که شما مرتب فرزندان را زیر ذره بین داشته باشید و مسئولیت پرورش او به کل بر عهده شماست بلکه باید با رفتار تان به او احساس امنیت بدهید و او را در مشکلاتی که ایجاد می کند، به جای سرزنش یا حمایت اشتباه، فقط به صورت همدلانه بشنوید تا بداند در صورت تجربه خطا، بی پناه نخواهد بود و می تواند شرایط را با همراهی شما اصلاح کند و بهبود ببخشد. شما نمی توانید جهان را تغییر دهید اما می توانید با خودشناسی و مهارت افزایی در زمینه ارتباط مؤثر، فرزند خود را در مسیر ساختن هویتش به شکلی مسئولانه و مؤثر همراهی کنید. یادتان باشد ساختن شخصیت سالم از خانواده و توسط مادر آغاز می شود.

انسان ها در خواب اند؛ وقتی می میرند بیدار می شوند



لیلا زلفاغانی
کلینیک

برگی از خاطرات پروفسور
«انه ماری شیمل»، شرق شناس
و اسلام شناس معاصر

این روزها به واسطه تحقیقی که باید انجام بدهم، با زندگی زن بی نظیری دم خورم که شب ها توی فکرم راه می رود و لیخند آرام و زیبایش از او چهره ای منحصر به فرد ساخته است، زنی اندیشمند، آلمانی تبار و دل باخته فرهنگ ایرانی اسلامی به ویژه زندگی مولانا، زنی که اولین خاطراتش مربوط به گل های اطلسی است وقتی که لب پنجره پیچ و تاب می خورد و به این طرف و آن طرف می رفت، وقتی صدای چرخ خیاطی مادرش می آید و با زندگی پدری که کارمند اداره پست و تلگراف است رؤیاهای زیادی در سر دارد، یکشنبه ها در جنگل پیاده روی می کند و می داند گل های پامچال و ابری را کجا می شود پیدا کرد. او به مهد کودکی رفت که بعدها مربی همین مهد کودک تحقیق دانشگاهی اش را در باره او نوشت. در نوجوانی در دبیرستان گوته درس خواند وقتی رادیو اعلام کرد هیتلر صدراعظم رایش شده است و مادر از آشپزخانه آهی کشید و گفت «خدای رحم کند!» در دبیرستان با علاقه عربی خواند. با اسلام، شرق شناسی و تاریخ اسلام آشنا شد و برای استادش، آفندی، سوره فاتحه را به عربی و از حفظ خواند. فرانسه، انگلیسی و ترکی را با علاقه یاد گرفت. در اتاق نشیمن مادر بزرگش که راحتی های سرخ رنگ و بزرگ و چند گنجه هلندی داشت، می نشست و غرق در مطالعه کتاب های قرآن، انجیل و عهد عتیق می شد. عهد عتیق را از مادر بزرگ تا خودش، همگی، حفظ بودند و در گفت و گوهای روزمره از جمله هایش استفاده می کردند. عرفان اسلامی را می خواند و از آشنایی با شخصیت کریشنا مرتوی به وجد می آمد. هنر اسلامی را نزد استادای مطالعه کرد. ابویوسف می خواند و با سفرنامه های هیجان انگیز بازرگانان عرب با زبان فارسی آشنا می شد. یکی از تکالیف دانشگاهی اش ۲ صفحه ترجمه از دیوان مولاناست. هم زمان زندگی نامه حلاج، اثر بزرگ لویی ماسینیون، را مطالعه می کرد و روز به روز عشقش به عرفان اسلامی و شخصیت مولانا بیشتر و بیشتر می شد. آهنگ اشعار فارسی او را تحت تأثیر قرار می داد. با پدرش در باره شخصیت حلاج وقتی که «آنا الحق» گفت صحبت می کرد و عبارت «انسان ها در خواب اند. وقتی می میرند بیدار می شوند.» بر روح او تأثیر زیادی گذاشته بود. در زمان جنگ آلمان تحصیل می کرد و در سال ۱۹۴۱ به استخدام وزارت امور خارجه درآمد و در همان سال رساله دکتری خود را دفاع کرد. در آنکارا تدریس می کرد. در سال ۱۹۴۹ به کنگره صلح و آزادی در سوئد دعوت شد و بعد از آن، از دانشکده الهیات دکتری افتخاری دریافت کرد. در ۱۹۵۰ در هلند در کنگره بین المللی تاریخ ادیان شرکت کرد و مهم ترین اتفاق آن کنگره برای او ملاقات با لویی ماسینیون بزرگ بود. زندگی بانوی آلمانی سراسر تحقیق و مطالعه و لذت بردن از اندیشه های ناب عرفان اسلامی است. به او فکر می کنم، به روح پرآشوب و تشنه اش که چطور به وجد می آمد از آشنایی با زندگی اندیشمندان مشرق زمین. کتاب های زیادی نوشت که مهم ترینش «شکوه شمس» است. سفرهای علمی او خود زندگی اش بود و تجربه هایش غنیمتی برای خواننده و زنان امروز. به لندن، هند، پاکستان، مصر، سودان، مراکش، یمن، عربستان، افغانستان، ایران و خیلی کشورهای دیگر سفر کرد. خاطراتش از سمرقند و ایران بسیار زیباست که در نوشته بعدی خواهم آورد. به شیراز رفت و مقبره روزبهان بقلی را زیارت کرد. روزبهان در اندیشه خود به ابرهای سرخ رنگ نگریسته و گفته بود گل سرخ عشق الهی چنین رنگی به ابرها داده است اما آرزوی دیرینه اش سر بره خراسان بود. بالاخره به فرودگاه مشهد رسید و آرزوی همیشگی اش که دیدار مرقد هشتمین امام شیعیان بود به حقیقت پیوست. در فرودگاه مشهد، حسن لاهوتی، مترجم کتاب «شکوه شمس»، و علامه آشتیانی به استقبالش رفتند و به زیارت بارگاه رضوی رفت. خانم شیمل! قصه گل های اطلسی شما را در چند قسمت دیگر خواهم نوشت بانوی نازنین.

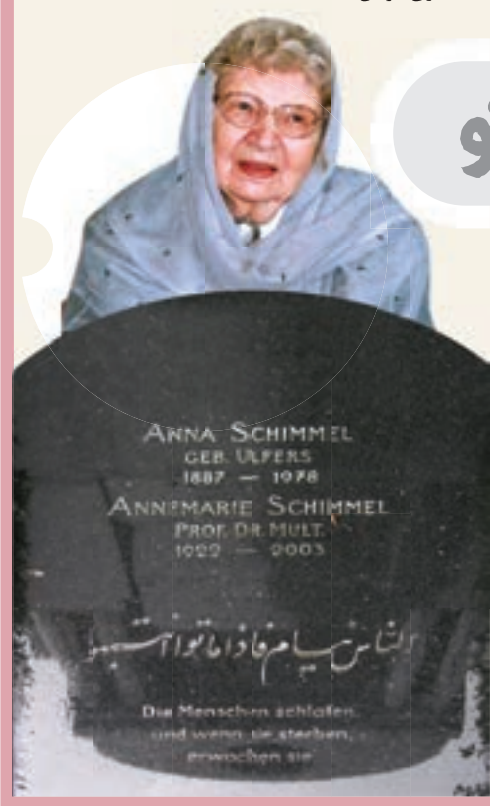
یکی از مشکلاتی که بسیاری از نوجوانان در تعامل با مادرشان گزارش می کنند این است که مادران همیشه نگران آن ها هستند و این نگرانی را در قالب نصیحت یا کنترل شدید رفت و آمدها یا هردوی این ها بروز می دهند. سعی کنید نگرانی خود را مدیریت کنید

(۴)



شهربانو

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرمسئول و سردبیر:
سید هادی فیاضی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی



جامعه شناسی زنان

• نویسنده: پاملا آبوت و کلر والاس
• مترجم: منیره نجم عراقی

جامعه شناس انگلیسی با نام های «پاملا آبوت» و «کلر والاس». کتاب در ۹ فصل دسته بندی شده است، فصل هایی چون «زنان بهداشت»، «زنان و تیمارداری»، «جرم و خلاف کاری»، «زنان و اشتغال» و «زنان و سیاست». نویسندگان کتاب که سال ها مقدمات جامعه شناسی را تدریس کرده اند، به جامعه شناسی رسمی و رایج نگاهی انتقادی دارند. به اعتقاد این ۲ نویسنده، جامعه شناسی نیز مانند علوم دیگر جانب دار است و در نظریه ها و پژوهش های خود همواره زنان را نادیده گرفته است. از جمله نقاط قوت کتاب، وجود نتیجه گیری و خلاصه در انتهای هر فصل است و نیز یک پیوست در انتهای کتاب، به عنوان فرهنگ واژه ها و اصطلاحات قرار گرفته است. البته از نقاط ضعف کتاب هم این است که با توجه به اینکه معادل اصطلاحات به کار رفته در متن ذکر نشده است و فقط با مراجعه به متن اصلی می توان برخی معادل گذاری ها را احصا کرد، در مجموع می توان گفت ترجمه ای روان و خوش خوان است. مترجم، خانم منیره نجم عراقی، در انتهای کتاب فهرستی از کتاب ها و مقالاتی را که در چندین سال اخیر در حوزه زنان در ایران به چاپ رسیده اند در اختیار مخاطبان قرار داده است. او در ابتدای این بخش متذکری می شود که گزینش های صورت گرفته در تهیه فهرست سلیقه ای انجام گرفته است. این کتاب برای کسانی که به دنبال مطالعه جدی تر و هدفمندتر در حوزه جامعه شناسی زنان هستند بسیار مناسب است اما نمی تواند کافی و کامل باشد چون از

شهرزاد

الهام یوسفی
فعال فرهنگی



نگاهی جامعه شناختی به مقوله زنان

وقتی از موضوع مطالعات زنان صحبت می کنیم، به احتمال باید با اقیانوسی از عناوین مختلف در پژوهش های اجتماعی و تاریخی و روان شناسی روبه رو شویم، اما متأسفانه واقعیت غیر از این است. به ویژه در حوزه ترجمه آثار به روز و عمیق دستان خالی است. البته اگر منظورمان فقط تعدد پژوهش ها باشد، در حوزه های مختلف مرتبط با مسائل زنان کتاب ها و مقالات متعددی از سوی جامعه شناسان و روان شناسان و پژوهشگران مطالعات تخصصی به رشته تحریر درآمده اما تعداد بسیار کمی از آن ها به فارسی ترجمه شده و نیز در میان آثار ترجمه شده تعداد بسیار کمی هست که ارزش مطالعه جدی دارد. در حوزه تألیف البته اوضاع بدتر است و نیازمند تلاشی جدی برای گسترش مطالعات بومی برای درک و دریافت مسایل مرتبط با زنان. این شماره به بهانه هفته پژوهش ما یلیم یک کار پژوهشی جدی در حوزه زنان را به شما معرفی کنیم. کتابی از نشر نی به عنوان «جامعه شناسی زنان» اثر